

سجده برای غیر خدا

محمد سلطانی

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ (سوره جن، آیه ۱۸)

«و سجده گاه‌ها برای خداست، پس با خداوند هیچ کس را مخوانید.»

از نشانه‌های خردمندی آن است، که انسان در برابر هر کسی رفتار و گفتار مناسب داشته باشد؛ با کودک زبان کودکی باید گشود و با جوان برومند سخنی دیگر. احترام و بزرگ داشت هر کس، جایگاه ویژه خود را داراست. حرمت مادر به گونه ایست و احترام همسر به گونه ای، پدر به اندازه‌ای احترام دارد و استاد به مقداری. اگر کسی کم تر از اندازه به اطرافیانش حرمت نهد، بی ادب و کوتاه فکر است. و اگر بیش از اندازه کسی را بزرگ شمرد، غلو کننده است و بی خرد!

در حوزه دین، دانستن و حفظ این حدود بسیار مهم است. در اسلام؛ پدر و مادر بس محترمند، اما نه تا آن اندازه که برای پسند آنان، فرمان خدا فراموش شود! عالم دینی نیز محترم است، اما نه تا آن جا که هر چه بگوید و فرمان دهد، پیروی شود؛ هر چند برخلاف وحی گوید و به نابخردی فرمان دهد! بی تردید، همه انسان‌ها، از آن روی که آفریده خدایند، محترمند و حقوقی دارند.

انسان‌های با ایمان جایگاه برتری دارند. زیرا بزرگترین حقیقت را پذیرا بوده‌اند، مؤمنان پرهیزکار والاترند، به ویژه اگر از دانش بهره‌ای برده باشند. برگزیدگان خداوند؛ چه در لباس پیامبر و چه در جایگاه امام، مقامی دیگر دارند. پس نمی‌توان بی ایمان را با مؤمن در یک ردیف قرار داد و نادان را با دانا و گناهکار را با پرهیزکار. و نباید مؤمنی - هرچند بلند مرتبه و بزرگوار - را در صف پیامبران و امامان جای داد. و گذشته از همه این‌ها، آدمیان همگی بنده خدایند و هیچ گاه و در هیچ موردی، بنده بر جای سرور و آفریدگارش نمی‌نشینند!

احترام و بزرگ داشت ویژه خداوند، پرستش و عبادت نامیده

می‌شود. پس، مراسم و آیین‌های عبادی را نباید برای غیر

خداوند انجام داد! در اسلام، برترین نشانه عبادت، سجده

است. انسان مؤمن، بالاترین و شریف‌ترین بخش چهره‌اش

را در برابر خدایش بر خاک می‌نهد! این، نهایت خضوع، فروتنی و بندگی است.

پس از سجده، رکوع نیز، آیین پرستش است و سپس طواف؛ چرخیدن به قصد

بزرگ داشت و احترام. سجده، رکوع و طواف؛ سه آیین عبادی

اسلام است و نیز ویژه پروردگار. انجام دادن این سه، در برابر

هر کس دیگری، نادرست و شرک آلود شمرده می‌شود.



روزی پیامبر، در جمع یاران خویش نشسته بود. شتری پیش آمد و در مقابل آن حضرت سرش را بر زمین نهاد. برخی از اصحاب گفتند: اگر ما را نیز اجازه فرمایی، هم چون این شتر در برابر سجده کنیم! پیامبر فرمود: «روا نیست که برای کسی جز خداوند سجده کرد. پیامبرتان را گرامی دارید و حق خاندانش را بشناسید».^۱

و در حدیثی دیگر فرمود: «لا تتخذوا قبری قبلة ولا مسجداً (وثناً) فان الله لعن الذين اتخذوا قبور انبيائهم مساجد»^۲
«مرقد مرا، قبله و سجدگاه خود قرار ندهید. زیرا، خداوند کسانی را که مرقد پیامبران شان را سجده گاه خویش قرار دادند، لعنت کرده است».

امام صادق^(ع)، آدابی را برای زیارت سید الشهداء به صفوان آموزش می دهد. پس از سلام و یادکرد مصیبت آن حضرت، زائر، دو رکعت نماز زیارت می گزارد. سپس برای آن که کسی گمان نکند که این نماز و رکوع و سجود را برای امام حسین^(ع) انجام داده، باید بگوید: «اللهم انی صلیت و رکعت و سجدت لک، وحدک لا شریک لک، لان الصلوة والرکوع والسجود لا تکن الا لک»^۳؛ «خداوندا، من برای تو نماز و رکوع و سجده گزاردم، تنها تو که شریکی نداری. زیرا، نماز و رکوع و سجده، تنها برای توست». آیت الله خوئی، در مقام یک فقیه می نگارد: «یحرم السجود لغير الله فإنه غاية الخضوع فيختص بمن هو غاية الكبرياء والعظمة ويدل عليه من الكتاب - لا تسجدوا للشمس ولا للقمر - فإن مناط المنع هو المخلوقية فيعم ما سواه»^۴

«سجده، برای غیر خدا حرام است. زیرا، سجده، نهایت فروتنی است. پس، باید ویژه نهایت برتری و ملکوت باشد. آیه «بر خورشید و ماه سجده نکنید»، بر این مطلب دلالت دارد. در این آیه، ملاک حرمت سجده بر مهر و ماه، مخلوق بودن آن دو است. پس، سجده در برابر هر مخلوقی حرام خواهد بود».

سجده، رکوع و طواف در برابر مراقد ائمه - آن گونه که بین برخی نا آگاهان رایج شده - گذشته از آن که به خودی خود، کار حرامی است؛ سبب می شود که مکتب





پاک و نورانی اهل بیت، شرک آلود شمرده شود. شیعه باید با اعمال و کردار خود، بر زیبایی و زینت امامان بیفزاید، نه آن که مایه ننگ و بدنامی دین و آیین خود شود!

در آیه هیجدهم، سوره جن، به دو نکته اشاره شده است. نخست آن که مسجد (سجده و سجده گاه)، ویژه خداست. دیگر، آن که هیچ کس را نباید همانند خداوند شمرد و در کنار او، به یاری فراخواند. پیامبر و امام،

فرستاده خدایند و بازگو کننده سخنان او؛ راهنمایند و دعوت کننده به

سوی او؛ شفیعان درگاه اویند و واسطه های فیض بی پایانش. و این همه، سبب آن

نمی شود که پیامبر یا امام را در عبادت و پرستش، دعا و نیازخواهی، ستایش و توصیف، علم و قدرت، هم ردیف خداوند قرار داد!

همه، دیده و شنیده ایم که حاجیان، هنگام بستن احرام، به ندای پروردگارشان، «لیبیک» می گویند. از این رو، واژه لیبیک، ویژه خداوند شمرده شده و در دیدار با فرد دیگری، لیبیک گفته نمی شد. گروهی از شیعیان، هنگامی که برای دیدار امام صادق^(ع) آمدند، عبارت «لیبیک یا جعفر بن محمد» بر زبان راندند!

فردی به نام مصادف، پیشاپیش خدمت امام آمده و آن حضرت را از این اتفاق خبر می دهد.

امام، به سجده می افتد و سینه خود به زمین می چسباند و می گوید: «بنده حلقه به گوش خداوندم».

سپس، امام به گونه ای می گرید که اشک بر صورتش جاری می شود. مصادف، از این که به امام

چنین خبری داده، پشیمان شده و می گوید: کسانی دیگر به خطا رفته اند، گناه آنان را که بر

دوش شما نمی گذارند! امام می فرماید: «ای مصادف! اگر عیسی، در برابر سخنان مسیحیان

ساکت می نشست، بر خداوند بود که وی را کر و کور کند. و اگر من، در برابر این

سخنان ساکت بنشینم، بر خداست که مرا نیز کر و کور کند».^۴

حال که یک لیبیک گفتن، امام را چنین آزرده و دلگیر می کند؛ آیا سجده و رکوع

و طواف، در برابر ضریح امام، موجب خشنودی او می شود؟! هرگز!

۱. البحار، ج ۲۵، ص ۲۶۲.

۲. البحار، ج ۸۰، ص ۳۱۳.

۳. مفاتیح الجنان، زیارت هفتم مطلقه امام حسین^(ع).

۴. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۹۳؛ سند حدیث صحیح است.

۵. کتاب الصلاة، ج ۴، ص ۲۵۸.

